حسين عليه السلام و مهدى (عج(

محمدرضا فؤاديان

مقدمه

از نواي غريبانه استغاثه امام حسين(ع)، سال‏ها و قرن‏ها مي‏گذرد، اما انعكاس آن را مي‏توان در لحظه لحظه تاريخ به گوش جان شنيد، اين فرياد نه تنها رو به خاموشي و افول نگذاشته، بلكه هر روز رساتر و پرصلابت‏تر، خروش وجوشش آزادگان عالم را افزوده است.

گويا امام حسين (ع) سال‏ها و قرن‏ها چشم به راه دوخته و به انتظار نشسته است؛ تا امام عصر (عج)، ندايش را پاسخ گويد؛ پرچم بر زمين مانده‏اش را به دوش گيرد؛ داغ‏هاي كهنه‏اش را التيام بخشد و آرمان‏هاي بلندش را لباس تحقق بپوشاند. روز ظهور، هنگام پاسخ به استغاثه مظلومانه امام حسين(ع) است و حضرت مهدي (ع) پاسخ دهنده آن. در اين گستره بي‏انتها و افق‏هاي دور آن، كسي به خروش و التهاب فرزندش كه براي رسيدن آن روز، گذر آرام آرام و جانكاه لحظه‏ها را به تماشا مي‏نشيند و روزها و سال‏ها را با چشمان منتظرش بدرقه مي‏كند وجود ندارد.

به راستي چه رمزي مهر سكوتْ بر لبان بسته و چه سرّي در اين ميان رخ پنهان كرده است؟ چرا ياد امام حسين(ع) هميشه و همه جا، همراه و هم پاي ياد حضرت مهدي (ع) است؟ چرا هر جا سخن از حسين(ع) است، نام حضرت مهدي(ع) نيز رخ مي‏گشايد؟ چرا عاشورا روز ((ظهور)) است و ياد حسين (ع) آغازين كلام مهدي (ع)...؟

اين گفتار مي‏كوشد گوشه‏هايي از اين ارتباط و پيوست را، از منظرهاي مختلف و در ابعاد گوناگون بررسي كند و فهرست وار آنها را در چهار بخش (همراه با قرآن، همراه با روايات، ادعيه و زيارات، تشرفات) و يك خاتمه برشمارد تا به عنوان دستمايه برخي از محققان و مبلغان و نيز ابزاري براي تحقيق و پژوهش بيشتر و مقدمه‏اي براي كشف زوايايي ديگر از حقايق نوراني حيات اين دو امام همام (ع) باشد. گرچه بررسي و تحليل اين پيوستگي‏ها و نيز نتايج و آثار آن، مجالي ديگر و فرصتي فراخ‏تر مي‏طلبد و گشودن گره اسرار اين پيوستگي‏ها، دل‏هايي راز دان و جان‏هايي آگاه از آن اسرار را مي‏طلبد.

همراه با قرآن

1. امام حسين (ع) از نگاه امام مهدي (عج)

سعد بن عبدالله قمي گويد: به امام عصر - اوراحنا له الفداه - عرض كردم: ((اي فرزند رسول خدا! تأويل آيه ((كهيعص)) چيست؟ فرمود: ((هذه اگ‏روف من انباء الغيب، اطلع الله علشا عبده زكريا، د قيّك‏ا عط تمد (ص) و ذلك ان زكريا سأل ربه ان يعلّمه اي‏ء اگ‏مسة فاهبط عليه جقئيل فعلّمه اياها...؛(1) اين حروف از اخبار غيبي است كه خداوند زكريا را از آن مطّلع كرده و بعد از آن داستان آن را به حضرت محمد (ص) باز گفته است...)).

داستان از اين قرار است كه: زكريا از پروردگارش درخواست كرد كه ((اسماء خمسه طيّبه)) را به وي بياموزد. خداوند، جبرئيل را بر او فرو فرستاد و آن اسماء را به او تعليم داد.

زكريا چون نام‏هاي محمد، علي، فاطمه، و حسن (عليهم السلام) را ياد مي‏كرد، اندوهش بر طرف مي‏شد و گرفتاريش از بين مي‏رفت. و چون حسين (ع) را ياد مي‏كرد، بغض و غصّه، گلويش را مي‏گرفت و مي‏گريست و مبهوت مي‏شد.

روزي گفت: بارالها! چرا وقتي آن چهار نفر را ياد مي‏كنم، آرامش مي‏يابم و اندوهم بر طرف مي‏شود؛ اما وقتي حسين را ياد مي‏كنم، اشكم جاري مي‏شود و ناله‏ام بلند مي‏شود؟

خداي تعالي او را از اين داستان آگاه كرد و فرمود: ((كهيعص))! ((كاف)) اسم كربلا و ((هاء)) رمز هلاك عترت طاهره است، و(( ياء)) نام يزيد ظالم بر حسين (ع) و ((عين)) اشاره به عطش و ((صاد)) نشان صبر او است.

زكريا چون اين مطلب را شنيد، نالان و غمين شد و تا سه روز از عبادتگاهش بيرون نيامد، و به كسي اجازه نداد كه نزد او بيايد. و گريه و ناله سر داد و چنين نوحه گفت:

بارالها! از مصيبتي كه براي فرزند بهترين خلايق خود، تقدير كرده‏اي دردمندم.

خدايا! آيا اين مصيبت را بر آستانه او نازل مي‏كني؟ آيا جامه اين مصيبت را بر تن علي و فاطمه مي‏پوشاني!؟ آيا اين فاجعه را بر ساحت آنان فرود مي‏آوري؟

بعد از آن گفت: بارالها! فرزندي به من عطا كن تا در پيري چشمم به او روشن شود و او را وارث و وصيّ من قرار ده؛ آنگاه مرا دردمند او گردان؛ همچنان كه حبيبت محمد را دردمند فرزندش گرداندي.

خداوند، يحيي را به او بخشيد و او را دردمند وي ساخت. و دوره حمل يحيي شش ماه بود و مدت حمل امام حسين (ع) نيز شش ماه بود و براي آن نيز قضيه‏اي طولاني است.

2. امام مهدي (عج)، از نگاه امام حسين (ع)

امام باقر (ع) مي‏فرمايد: حارث اعور به امام حسين (ع) عرض كرد: ((يابن رسول الله! جعلت فداك: اخقص عن قول الله ص كتابه ((والشمس و ضحشا)) قال: و ب‏ك يا حارث، ذلك تمد رسول الله (ص)، قلت: جعلت فداك: قوله: ((والقمر اذا تلشا))، قال: ذلك امفاثؤمنغ عط بن اض طالب يتلو تمداً، قال: قلت: ((و الش‏ار اذا جلّشا))، قال: ذلك القاذ من آل تمد، ج‏لأ الارض قسطا و عدلا؛(2)اي زاده رسول خدا! فدايت شوم. مرا از معناي آيه شريفه والشمس و ضحيها [سوگند به خورشيد و گسترش نور آن‏] مطّلع ساز. حضرت فرمود: مراد از خورشيد، رسول الله (ص) مي‏باشد.

پرسيد: فدايت شوم! منظور از آيه شريفه ((والقمر اذا تليها)) [سوگند به ماه چون پس از آن آيد. ]چيست؟

فرمود: منظور از ماه، اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب (ع) است كه بعد از پيامبر(ص) مي‏باشد.

گفت: مقصود از آيه شريفه ((والنهار اذا جلّيها)) [و سوگند به روز و چون آن را روشن سازد ]چيست؟

فرمود: مقصود از روز، قائم آل محمد (عج) است كه زمين را پر از قسط و عدل كند)).

3. امام مهدي (عج) و امام حسين (ع)

خداوند متعال مي‏فرمايد: ((و لا تقتلوا النفس الط حرّم الله الا باگ‏ق و من قتل مظلوما فقد جعلنا لوليّه سلطانا، فلا يي‏ف ص القتل انه كان منصورا(3)؛ كسي را كه خداوند خونش را حرام شمرده، به قتل نرسانيد، مگر به حق و آن كسي كه مظلوم كشته شده، براي وليش سلطه (حق قصاص) قرار داديم؛ اما در قتل اسراف نكند، چرا كه او مورد حمايت است)).

سلاّم بن مستنير مي‏گويد: امام محمد باقر (ع) درباره آيه ((و من قتل مظلوما)) فرمود: ((او حسين بن علي (ع) است كه مظلوم كشته شد و ما اولياي او هستيم. و قائم ما چون قيام كند، در طلب انتقام خون امام حسين (ع) بر آيد؛ پس مي‏كشد تا جايي كه گفته مي‏شود اسراف در قتل كرده است. مقتول، حسين (ع) و وليّ او قائم (عج) است. و اسراف در قتل اين است كه غير قاتل او كشته شود. او منصور است؛ زيرا از دنيا نمي‏گذرد تا اين كه ياري شود به مردي از خاندان پيامبر خدا كه زمين را پر از قسط و عدل كند، همچنان‏كه پس از جور و ظلم شده باشد)).(4)

قندوزي حنفي نيز مي‏گويد: ((از امام علي الرضا فرزند موسي الكاظم (رضي الله عنهما) رسيده كه آن حضرت فرمود: آيه ((و من قتل مظلوما))(5) درباره حسين و مهدي(ع) نازل شده است)).

همراه با روايات

1. امام مهدي (ع) فرزند امام حسين (ع)

در 308 روايت، وارد شده كه امام مهدي (عج) نهمين فرزند امام حسين (ع) است و در بيشتر احاديثي كه از وجود مقدس رسول اكرم (ص) درباره حضرت ولي‏عصر (عج) آمده، به آن حضرت به عناويني چون: ((از تبار پسرم حسين)) و ((از نسل اين پسرم))، ((نهمين فرزند پسرم حسين)) معرفي شده است.(6) كه مجموع روايات پيامبر (ص) در اين زمينه 185 حديث مي‏باشد.(7)

در اين جا چند روايت از قول امام حسين (ع) نقل مي‏شود:

1. مردي از طايفه همدان مي‏گويد: ((حعت اگ‏سغ بن عط بن اض طالب علشأ السلام يقول: قاذ هذه الامة هو التاسع من ولدي و هو صاحب الغيبة و هو الذي يقيَّ مفاثُه و هو حيّ؛(8) از امام حسين بن علي (ع) شنيدم كه مي‏فرمود: قائم اين امت نهمين از فرزندان من است و او صاحب غيبت است، و او كسي است كه ميراثش را در حياتش تقسيم مي‏كنند)).

2. امام حسين (ع) مي‏فرمايد: ((كان رسول الله يقول فآ بلاص به، يا حسغ! انت السيد ابن السيد، ابوالسادة تسعة من ولدك اچ‏ة ابرار امناء معصومون و التاسع مهدسّم قاچ‏هم. انت الامام بن الامام، ابوالاچ‏ة تسعة من صلبك اچ‏ة ابرار و التاسع مهدسم ج‏لأ الدنيا قسطا و عدلا، يقوم ص آخر الزمان كأ حت ص اوله؛(9) رسول خدا (ص) در بشارتي به من فرمود: اي حسين! تو سيد پسر و پدر ساداتي، و ((نه)) فرزند از تو، امامان ابرار و امين و معصوم‏اند، و نهمين آنان مهدي قائم (عج) است. تو امام پسر امام و پدر ائمه هستي و نه فرزند از پشت تو ائمه ابراراند و نهمين آنان، مهدي است كه دنيا را در آخر الزمان، پر از عدل و قسط مي‏كند...))... .

2. نسب حضرت مهدي (عج) از زبان امام حسين (ع)

سالار شهيدان، فرزندش امام مهدي (ع) را فرزند حضرت فاطمه (س) مي‏خواند. آن حضرت فرمود:

از رسول خدا (ص) شنيدم كه فرمودند: ((اثهديّ من ولد فاطمة؛(10) مهدي از فرزندان فاطمه است)).

در روايت ديگري امام حسين (ع) مي‏فرمايد: ((پيامبر (ص) به فاطمه زهرا (س) فرمود: ((اِبلاي يا فاطمة! اثهدي منك؛ اي فاطمه! بشارت بر تو باد، كه مهدي (عج) از فرزندان توست)).(11)

3.القاب امام مهدي (عج) از زبان امام حسين (ع)

امام زمان (ع) القاب مباركي دارند كه بعضي از آن‏ها، مستقيماً با ((عاشورا)) در ارتباط است و بعضي از لقب‏هاي مقدس آن‏حضرت، بر زبان جد بزرگوارشان (ع) جاري شده است.

عيسي الخشاب مي‏گويد: از محضر امام حسين (ع) سؤال كردند: آيا شما صاحب اين امر هستيد؟

فرمود: ((لا و لكن صاحبُ الامر الطريد اللايد اثوتور بابيه، اثكظ بعمّه، يضع السيف عط عاتقه جانية اءك‏ر؛(12) نه من نيستم، بلكه صاحب اين امر كسي است كه از ميان مردم كناره‏گيري مي‏كند و خون پدرش بر زمين مي‏ماند و كنيه او كنيه عمويش خواهد بود. آن‏گاه شمشير بر مي‏دارد و هشت ماه تمام شمشير بر زمين نمي‏گذارد)).

((طريد)) و ((شريد)) كه هر دو به يك معنا است - از القاب حضرت ولي عصر (عج) به شمار مي‏آيد. اين دو عبارت در زبان امامان معصوم(ع) نيز به كار رفته، و معناي آن كنار زده و رانده شده است. حاجي نوري (ره) در معناي ((شريد)) مي‏گويد: ((رانده شده از مردمي كه آن حضرت را نشناختند و قدر وجود نعمت او را ندانستند و در مقام شكر گزاري و مقام حقش بر نيامدند؛ بلكه پس از اين‏كه از دست يافتن بر او نااميد شدند، به قتل و قمع ذرّيه طاهره ايشان پرداختند و به كمك زبان و قلم، سعي بر بيرون راندن نام و ياد او، از قلوب و اذهان مردم كردند)).(13)

علامه مجلسي (ره) درباره اين حديث مي‏فرمايد: ((اثوتور بابيه))؛ يعني، كسي كه پدرش را كشته‏اند و طلب خونش را نكرده‏اند. مراد از ((والد))، امام حسن عسگري (ع)، يا امام حسين (ع) و يا جنس والد است كه شامل همه ائمه(ع) مي‏شود، و ((مكظ بعمه)) شايد كنيه برخي از عموهاي حضرت، ابوالقاسم باشد، يا اين‏كه امام زمان (عج) كنيه‏اش ابوجعفر، ابي الحسن و يا ابي محمد باشد. بعيد نيست علت تصريح نكردن به اسم حضرت و آوردن كنيه، به جهت خوف از عموي حضرت باشد. و قول وسط، ظاهرتر است)).(14)

4.توصيف امام حسين(ع) از زبان امام مهدي (ع)

حضرت مهدي (عج)، امام حسين(ع) را اين‏گونه توصيف فرموده است: ((كنت للرسول ولداً و للقرآن سندا و للامّة عضُدا و ص الطاعة ث‏ش‏دا حافظا للعهد و اثيثاق ناكبا عن سبُل الفسّاق تتاوّة تأوّه اگهود طويل الركوع و السجود زاهداً ص الدنيا زهد الرّاحل عش‏ا ناظراً بعغ اثستوحشغ مش‏ا؛(15) تو اي حسين! براي ((رسول خدا)) فرزند و براي ((قرآن)) سند و براي ((امت))، بازويي بودي. در طاعت خدا تلاشگر و نسبت به عهد و پيمان، حافظ و مراقب بودي. از راه فاسقان سر بر مي‏تافتي. آه مي‏كشيدي؛ آه آدمي كه به رنج و زحمت افتاده است. ركوع و سجود تو طولاني بود. زاهد و پارساي دنيا بودي؛ زهد و اعراض كسي كه از دنيا رخت بر كشيده است و با ديده وحشت زده بدان نگاه مي‏كردي)).

در اين عبارت، بسيار جالب و جامع، جد بزرگوار خود امام حسين (ع) را با ده عنوان وصف كرده است:

امام حسين (ع) فرزند رسول خدا است؛

او سند و پشتوانه قرآن است؛ هر آنچه در قرآن، در قالب الفاظ است، در وجود مطهر امام حسين(ع) رؤيت و مشاهده مي‏شود؛

توان اسلام، امامت است و امام حسين(ع) بازوي پرتوان امّت و دين اسلام در همه اعصار است؛

در راه اطاعت پروردگار، سخت كوش و تلاشگر بود. عبادت آن حضرت (نماز و دعاء خصوصاً دعاي عرفه) مايه اعجاب است.

آن بزرگوار، نگه‏دار عهد و ميثاق است و با خدا و خلق او در عهد و پيمان، استوار و ثابت و باوفا است؛

آن حضرت از راه و روش فاسقان روي گردان بود و از راه مسامحه و مداهنه وارد نمي‏شد؛

آه امام حسين (ع) دردمندانه بود؛ مانند كسي كه بار سنگيني از غصه دردل دارد و درد سينه‏اش جراحتي التيام ناپذير است؛

آن حضرت ركوع‏ها و سجده‏هاي طولاني داشت. كه نمونه‏هاي آن در تاريخ ثبت و درج شده است؛

سيد الشهدا(ع)، نسبت به دنيا زاهد و بي علاقه بود. و زهد با عمل اين خاندان معنا مي‏گيرد؛

نظر او به دنيا، نظر وحشت زدگان بود و آنجايي‏كه نظر ديگران به دنيا نظر عاشقانه بود، نظر آن حضرت به دنيا، مانند انسان وحشت زده بود.(16)

5. قائم و عاشورا

((قائم)) از القاب خاصه حضرت حجت (عج) است كه در بيشتر روايات شيعه وارد شده و اطلاق آن بر هيچ يك از معصومين ديگر روا نيست.

ابو حمزه ثمالي مي‏گويد: به امام محمد باقر (ع) عرض كردم: اي فرزند پيامبر! آيا شما همه قائم نيستيد و حق را به پا نمي‏داريد؟ پس چرا تنها ولي عصر را قائم مي‏خوانند؟ فرمود: ((ثّا قتل جدّي اگ‏سغ ضجّت اثلائكه بالبكاء و النحيب و قالوا ااًنا أتصفح عمن قتل صفوتك و ابن صفوتك و خفتك من خلقك؟... فاوحي الله الشم قرّوا ملائكط فوعزّض و جلاض لانتقمنّ مش‏م و لو بعد حغ...د كشف اًم عن الاچ‏ة من ولد اگ‏سغ فيّ‏ت اثلائكة بذلك ورأوا احدهم قاچ‏اً يصط، فقال سبحانه: سذا القاذ انتقم مش‏م؛ چون جدم حسين (ع) كشته شد، فرشتگان صدا به گريه و ناله بلند نموده و عرض كردند: پروردگارا! آيا قاتلان بهترين بندگانت، و زاده اشرف برگزيدگانت را به حال خود وا مي‏گذاري؟ خداوند به آنها وحي فرستاد: اي فرشتگان من! آرام گيريد. به عزّت و جلالم سوگند، از آنان انتقام خواهم گرفت؛ هر چند بعد از گذشت زمان‏ها باشد. آن‏گاه پروردگار عالم پرده از جلو ديدگان آنان كنار زد و امامان از فرزندان امام حسين (ع) را يكي پس از ديگري به آنها نشان داد. فرشتگان از اين منظره، مسرور و شادمان گرديدند و ديدند كه يكي از آن بزرگواران، ايستاده مشغول نماز است. خداوند فرمود: با اين قائم (شخص ايستاده) از آنان (قاتلان حسين (ع)) انتقام خواهم گرفت)).(17)

محمد بن حمران مي‏گويد: امام صادق (ع) فرمود: چون جريان شهادت امام حسين (ع) واقع شد، فرشتگان به درگاه الهي ناليدند و خروش بر آورده، به خداوند عرض كردند: بار خدايا! آيا با حسين كه انتخاب شده تو و فرزند پيامبر تو اينچنين رفتار شود؟ خداوند شبح و سايه قائم را در برابر آنان در حالت ايستاده مجسم كرد و فرمود: با اين (قائم) از ستم كنندگان به حسين انتقام خواهم گرفت.(18)

6. غيبت حضرت مهدي (ع)، از نگاه امام حسين (ع)

امام حسين (ع) درباره غيبت امام زمان (ع) مي‏فرمايد: ((لصاحب هذا الامر غيبتان، احدثا تطول حط يقول بعك‏م: مات و بعك‏م قتل و بعك‏م ذهب و لا يطّلع عط موضعه احد من وض و لا غفه الااثوض الذي يط امره؛(19) براي صاحب اين امر دو غيبت است كه يكي از آنها آن‏قدر به طول مي‏انجامد كه گروهي مي‏گويند: [مهدي ]مرده و برخي گويند: كشته شده و بعضي گويند: رفته است. احدي از دوستان و غيره، از اقامتگاه او آگاه نمي‏شود، جز خدمت‏گذاري كه متصدي امور اوست)).

هم چنين مي‏فرمايد: ((... له غيبة يرّتد فشا اقوام و يثبت عط الدين فشا آخرون، فيؤذَوْن و يقال اًم: مط هذا الوعدان كنژ صادقغ. اما ان الصابر ص غيبته عط الاذي و التكذيب ج‏ك‏لة اگاهد بالسيف بغ يدي رسول الله(ص)؛(20) براي او غيبتي است كه گروه‏هايي در آن از دين بر مي‏گردند و گروه‏هايي ديگر بر آيين خود استوار مي‏مانند و در اين راه آزارها مي‏بينند. به آنان گفته مي‏شود: اين وعده كي واقع خواهد شد اگر راستگو هستيد؟ آنان كه بر اين آزارها و تكذيب‏ها صبر كنند، همانند كسي‏اند كه شمشير به دست گرفته و در پيشاپيش رسول اكرم (ص) جهاد مي‏كند.

7. بشارت ظهور از زبان امام حسين (ع)

بشارت به ظهور امام عصر (عج) حقيقتي شعف‏انگيز است كه از سوي امامان معصوم(ع) نويد آن داده شده است. سالار شهيدان در اين زمينه مي‏فرمايد: ((منّا اثظ علا مهديّاً، اوّاًم امفاثؤمنغ عط بن اض طالب و آخرهم التاسع من ولدي و هو الامام القاذ باگ‏ق ب‏يي الله به الارض بعد موس‏ا و يظهر به دين اگ‏ق عط الدين كلّه و لو كره اثلاكون...؛ دوازده مهدي از ما هست كه نخستين آنان علي بن ابي طالب و آخرين آنان نهمين فرزند من است كه او امام قائم به حق است، خداوند زمين مرده را به وسيله او زنده مي‏كند و دين حق را بر تمام اديان پيروز مي‏گرداند...)).(21)

عبدالله بن عمر مي‏گويد: ((حعت اگ‏سغ بن عط (ع) يقول: لو ر يبق من الدنيا الايوم واحد لَطوَّلَ اللّه عزّوجلّ ذلك اليوم حط پ‏رج رجل من ولدي فيملاها عدلا و قسطا كأ ملئت جورا و ظلأ، كذلك حعتُ رسول الله يقول؛(22) از حسين بن علي (ع) شنيدم كه مي‏فرمود: اگر از عمر دنيا جز يك روز باقي نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدري طولاني فرمايد تا آنكه مردي از فرزندان من خروج نمايد و زمين را پر از عدل و داد نمايد، همچنانكه پر از ظلم و جور شده باشد، من از رسول خدا (ص) اين چنين شنيدم)).

8. علايم ظهور از زبان امام حسين (ع)

ريحانه رسول خدا، حسين بن علي (ع) درباره علايم ظهور فرزندش امام عصر (عج) مي‏فرمايد: ((للمهديّ چس علامات: السّفياص، و ام‏اص، و الصيحة من الي‏ء، و اگ‏سف بالبيداء و قتل النفس الزكية؛(23) براي مهدي ما پنج علامت است: خروج سفياني، خروج يماني، بانگ آسماني، خسف سرزمين بيداء (فرو رفتن لشگر سفياني در سرزمين بيدا)، قتل نفس زكيّه)).(24)

در روايتي ديگر، خراب شدن ديوار مسجد كوفه از سمت خانه عبدالله بن مسعود(25) و ديدن علامتي در آسمان (مانند آتش(26)) را از نشانه‏هاي ظهور، بيان فرموده است.

9. دلدادگي حضرت مهدي (عج) به امام حسين (ع)

خدمت در محضر امام حسين (ع) و توفيق ياري حضرت و شمشير زدن در ركاب او، بزرگترين توفيقات الهي بود كه نصيب عده‏اي از خواص عصر امام حسين (ع) شد. همچنان‏كه فراهم نمودن شرايط و مقدمات ظهور حضرت ولي عصر (عج) و توفيق جنگيدن در ركاب آن بزرگوار، از ديگر موهبت‏هاي الهي است كه نصيب عده‏اي از خواص مي‏شود. در عظمت و شرافت خدمت‏گذاري، نصرت به آن آستان بلند، همين بس كه امام زمان (عج) نيز عاشق جدّ بزگوار خود و مشتاق خدمت به او است. آن حضرت در زيارت ناحيه مقدسه(27) مي‏فرمايد: ((و لع اخرتظ الدهور و عاقظ عن نيك اثقدور لأُندّبنّك صباحاً و مساءً و لأبكِغّ لك [عليك‏] بدل الدموع دماً؛ اگر روزگار مرا به تأخير انداخت و مقدّرات از ياري و نصرت تو در روز عاشورا باز داشت، هر آينه من صبح و شام بر تو ندبه مي‏كنم و به جاي قطرات اشك، بر تو خون مي‏گريم)).

آري ياري امام مهدي (عج)، عبادتي بزرگ است، چرا كه در حقيقت خدمت به تمام پيامبران و اوصيا و امامان معصوم(ع) مي‏باشد؛ زيرا او آخرين حجت الهي است و اراده خداوند بر آن تعلق يافته كه زحمات طاقت فرساي همه پيامبران را، به دست با كفايت آخرين حجت خود به ثمر رساند. اگر نهضت جهاني آن ولي الله اعظم (عج)، از برنامه جهاني خلقت حذف شود، برنامه همه پيامبران عقيم گشته و هدف نهايي فرستادن رسولان و تشريع اديان ضايع و تباه مي‏شود.(28)

خدمت به امام عصر (ع)، مطلوب امام صادق (ع) نيز بوده است. ((خلاّد ابن قصّار مي‏گويد: از امام صادق (ع) پرسيدند: آيا قائم متولد شده است؟ فرمود: ((لا ولو ادركته گ‏دمته ايام حياض؛ نه متولد نشده ولي اگر من او را درك مي‏كردم، همه عمر را با خدمت‏گزاري او سپري مي‏كردم)).(29) هنگامي كه امام معصوم (ع) در حق حضرت بقية الله (عج) چنين تعبيري به كار مي‏برد؛ مقام رفيع ياران آن حضرت و ارزش خدمت به آيين ((انتظار)) روشن مي‏شود.

10. عاشورا روز ظهور

درباره روز قيام و ظهور حضرت، روايات مختلفي وارد شده است. كه در آنها، روز نوروز، عاشورا، شنبه و يا جمعه، روز ظهور معرفي شده است.

البته از آن جايي كه نوروز، طبق سال شمسي و عاشورا، بر اساس سال قمري محاسبه مي‏شود، يكي شدن اين دو روز امكان‏پذير است و هم زماني اين دو روز با جمعه يا شنبه نيز ممكن است.

اما رواياتي كه روز ظهور را، دو روز از هفته بيان كرده، قابل توجيه است؛ يعني، در صورت صحيح بودن سند اين روايات، احاديث روز جمعه به روز ((ظهور)) و روايات روز شنبه به روز ((استقرار و تثبيت قيام حضرت و نابودي مخالفان)) تفسير مي‏شود. البته روايات روز شنبه، از نظر سند مورد تامل و بررسي است؛ ولي روايات روز جمعه از اين نظر ايرادي ندارد.(30) اما آنچه مهم است، اين كه قيام حضرت ولي عصر (عج)، مصادف با روز شهادت سيدالشهداء (ع) است و اين مطلب ما را به ارتباط ويژه صاحبان اين دو قيام رهنمون مي‏سازد.

امام محمد باقر(ع) فرموده است: ((كاص بالقاذ يوم عاشورا يوم السبت قاچ‏اً بغ الركن و اثقام و بغ يديه جقئيل ينادي: البيعة لله فيملأها عدلاكأ ملئت ظلأ و جورا؛(31)گويا حضرت قائم(عج) را مي‏بينم كه روز عاشورا، روز شنبه بين ركن و مقام ايستاده و جبرئيل پيش روي او ندا مي‏كند: بيعت براي خدا است. پس زمين را پر از عدل مي‏كند؛ همان گونه كه پر از ظلم و جور شده بود)).

امام جعفر صادق(ع) نيز مي‏فرمايد: ((ان القاذ صلوات الله عليه ينادي باحه ليلة ثلاث و علاين و يقوم يوم عاشورا يوم قتل فيه اگ‏سغ بن عط(ع)؛(32) قائم - درود خدا بر او باد در شب بيست و سوم ماه رمضان، به نام [شريفش‏] ندا مي‏شود، و درروز عاشورا، روزي كه حسين بن علي (ع)، در آن كشته شد، قيام خواهد كرد)).

11. ياد امام حسين(ع) نخستين كلام حضرت مهدي(ع)

در رواياتي چند، به مطالب و سخنان نخستينِ امام زمان (ع) اشاره شده است؛ از جمله آنها روايتي است كه محدث بزرگوار شيخ علي يزدي حائري (ره) نقل كرده است. او مي‏گويد: ((زماني كه قائم آل محمد ظهور كند، ما بين ركن و مقام مي‏ايستد و پنج ندا مي‏دهد:

1. ((الا يا اهل العار انا الامام القاذ ؛ آگاه باشيد اي جهانيان كه مژ امام قاذ))؛

2. ((الا يا اهل العار انا الصمصام اثنتقم؛ آگاه باشيد اي اهل عالم كه منم شمشير انتقام گيرنده))؛

3. ((الا يا اهل العار ان جدّي اگ‏سغ قتلوه عطشانا؛ بيدار باشيد اي اهل عالم كه جدّ من حسين را تشنه كام كشتند))؛

4. ((الا يا اهل العار ان جدّي اگ‏سغ طرحوه عريانا؛ بيدار باشيد اي اهل عالم كه جدّ من حسين را عريان روي‏خاك افكندند))؛

5. ((الا يا اهل العار ان جدي اگ‏سغ سحقوه عدوانا؛ آگاه باشيد اي جهانيان كه جدّ من حسين را از روي كينه توزي پايمال كردند)).

امام زمان (عج) ابتدا خود را چنين به جهانيان معرفي مي‏كند: كه قائم و شمشير انتقام منم؛ قيام نمودم تا انتقام خون جدم حسين (ع) - كه او را تشنه لب شهيد كرده، بدن مطهرش را عريان روي خاك افكندند و پايمال كردند - بگيرم.

آري اولين كلام حضرت مهدي(عج)، ياد امام حسين (ع) است كه همواره ياد او، در دل هر انسان آزاد مرد و طالب حقي زنده است و اين مصيبت عظمي‏، جز با ظهور فرزندش تسلّي نمي‏يابد.

12. حضرت مهدي(عج) تكميل كننده سفر امام حسين (ع)

يكي از رابطه‏هاي دقيق بين اين دو امام همام(ع) و قيامشان، مركز حكومت آن دو است. امام حسين (ع) از مكه به جانب كوفه، رهسپار بود و شايد با رسيدن به كوفه، مانند پدر بزرگوار خود آن‏جا را مقر حكومت خويش قرار مي‏داد؛ ولي سپاهيان يزيد، راه را بر آن حضرت بستند و او در دوم محرم، در كربلا منزل نمود.

زماني كه خورشيد تابناك مكه، ظهور كند، كوفه را به عنوان مقر حكومت خود بر خواهد گزيد. امام محمد باقر(ع) مي‏فرمايد: ((مهدي قيام مي‏كند و به سوي كوفه مي‏رود و منزلش را آن‏جا قرار مي‏دهد)).(33)

هم چنين مي‏فرمايد:((هنگامي كه قائم ما قيام كند وبه كوفه برود، هيچ مؤمني نخواهد بود، مگر آن كه در آن شهر، در كنار مهدي سكونت مي‏گزيند، يا به آن شهر مي‏رود)).(34)

ابوبكر حضرمي مي‏گويد: به امام محمد باقر يا امام صادق(ع) گفتم: كدام سرزمين پس از حرم خدا و حرم پيامبرش با فضيلت‏تر است؟ فرمود: ((اي ابابكر! سرزمين كوفه كه جايگاه پاكي است و در آن مسجد سهله قرار دارد و مسجدي كه همه پيامبران در آن نماز خوانده‏اند. آن جا عدالت الهي پديدار مي‏گردد و قائم به عدل و قيام كنندگان پس از او از همان جا خواهند بود. آن‏جا، جايگاه پيامبران و جانشينان صالح آنان است)).(35)

امام صادق(ع) از مسجد سهله ياد كرد و فرمود: ((آن خانه صاحب ما (مهدي موعود) است؛ زماني كه با خاندانش در آن‏جا سكونت گزيند)).(36)

از مجموع اين روايات فهميده مي‏شود كه شهر كوفه، پايگاه اصلي فعاليت‏ها و مركز فرمانروايي امام زمان(عج) خواهد بود، پايگاهي كه زماني مقر حكومت اميرمؤمنان (ع) بود و امام حسين (ع) به آن سو مي‏رفت.

13. خون خواهي حضرت مهدي(عج) از قاتلان امام حسين(ع)

سالار شهيدان به فرزندش امام سجاد(ع) فرمود: ((سوگند به خدا كه خون من از جوشش باز نمي‏ايستد تا اين كه خداوند، مهدي را برانگيزد. او به انتقام خون من، از منافقان فاسق و كافر، هفتاد هزار نفر را مي‏كشد)).(37)

هروي مي‏گويد: به حضرت رضا(ع) عرض كردم: اي فرزند رسول خدا! نظرتان درباره اين سخن امام صادق(ع) كه مي‏فرمايد: ((هرگاه قائم ما قيام كند، بازماندگان قاتلان امام حسين (ع) به كيفر كردار پدرانشان كشته مي‏شوند)) چيست؟ حضرت رضا(ع) فرمود: ((اين سخن صحيح است)).

گفتم: پس اين آيه قرآن ((و لاتزر وازرةٌ وزر أخري)) چه معنايي دارد؟ فرمود ((آنچه خداوند مي‏فرمايد صحيح است؛ ولي بازماندگان قاتلان امام حسين(ع)، به كردار پدرانشان خوشحال‏اند و به آن افتخار مي‏كنند و هر كس از چيزي خشنود باشد، مانند آن است كه آن كار را انجام داده است. اگر مردي در مشرق كشته شود و مرد ديگري در مغرب به كشته شدن او خشنود باشد، نزد خداوند شريك گناه قاتل است. و اين كه قائم، فرزندان قاتلان امام حسين را هنگام ظهورش نابود مي‏سازد، براي اين است كه آنان از كردار پدرانشان خشنودند.))(38)

14. ياري امام حسين(ع)، ياري امام مهدي(عج)

يكي ديگر از جلوه‏هاي روشن ارتباط بين اين دو اختر تابناك آسمان ولايت و امامت ياري نمودن امام حسين(ع) است كه در حقيقت اين ياري، نصرت امام عصر (عج) مي‏باشد. امام حسين(ع) در اين زمينه در شب عاشورا به اصحاب خود فرمود: ((... و قد قال جدّي رسول الله(ص): ولدي حسغ يُقتل بطفّ كربلا، غريباً وحيداً عطشاناً فريداً.

خ‏ن نيه فقد نيص و ني ولده اگ‏جة[(ع)]...؛ همانا جدّم رسول خدا[(ص)] فرمودند: فرزند من حسين‏[(ع) ]در زمين كربلا، غريب و تنها، عطشان و بي‏كس، كشته مي‏شود، كسي كه او را ياري كند مرا ياري نموده و فرزندش مهدي [(ع)]را ياري نموده است...)).(39)

15. فرشتگانِ ياور امام حسين(ع)، ياوران مهدي(عج)

يكي از ويژگي‏هاي قيام يوسف زهراء، برخورداري از نصرت الهي به وسيله فرشتگان است. شيخ صدوق(ره) در روايت ريّان بن شبيب، از حضرت امام رضا(ع) نقل مي‏كند: ((و لقد نزل اض الارض من اثلائكة اربعة آلاف لنيه فوجدوه قد قتل فهم عند ققه شعث غُقٌ اض ان يقوم القاذ فيكونون من انصاره و شِعارُهم يا لثاراتِ اگ‏سغ؛(40) به تحقيق چهار هزار فرشته براي نصرت و ياري حسين [(ع)] به زمين فرود آمدند. آنان هنگامي كه نازل شدند، ديدند حسين [(ع)] كشته شده است، از اين رو، ژوليده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت كردند و همچنان هستند تا اين كه قائم، قيام كند و آنان از ياوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان يا لثارات الحسين است)).

به راستي، چه ارتباطي ميان اين دو كوكب درخشان آسمان ولايت - كه ملك و ملكوت، عرش و فرش همه از يگانگي آن دو سخن مي‏گويند - وجود دارد. هر كجا حسين (ع) است، مهدي(عج) نيز هست و هر كجا مهدي(عج) است، حسين (ع) نيز مي‏باشد. ذكر و نام آن يكي، با ياد و نام ديگري قرين و عجين است. از امام زمان (عج)؛ سيد الشهدا (ع) را مي‏طلبند و از سيد الشهداء امام زمان را.

16. حضرت مهدي(عج) ويرانگر مساجد چهار گانه‏

امام عصر(عج) از بين برنده و محو كننده تمام آثار شرك و نفاق است؛ از اين رو عاشقان هر صبح آدينه، زمزمه ((اين هادم ابنية اللاك و النفاق)) را سر مي‏دهند و منتظرند تا حضرت ظهور كند و كاخ ظلم و ستم، استبداد و بناهاي نفاق را نابود سازد. به همين جهت او مساجدي را كه به شكرانه كشتن امام حسين(ع) بنا شده است، ويران خواهد كرد.

امام محمد باقر(ع) درباره اين مساجد مي‏فرمايد: ((در كوفه به دليل شادي از كشتن، حسين(ع)، چهار مسجد ساخته شد: مسجد اشعث، جرير، سمّاك و شبَث بن رِبعي))(41) ابو بصير مي‏گويد: امام محمد باقر(ع) فرمود: ((هنگامي كه قائم ما قيام كند، چهار مسجد را در كوفه ويران مي‏سازد...)).(42) اين مساجد اگر چه هم اكنون موجود نيست؛ ولي ممكن است بعدها گروهي از روي دشمني با اهل بيت(ع)، آنها را دوباره بسازند.(43)

همراه ادعيه و زيارات

با بررسي ((ادعيه و زيارات)) مربوط به سيد الشهدا(ع) و امام عصر (عج) به ارتباط وثيق و تنگاتنگ ميان اين دو نور پاك پي مي‏بريم؛ چرا كه هر دو در ماه شعبان به دنيا آمده‏اند و در روز تولد حسين (ع) بايد به ياد مهدي(عج)، بود و در روز تولد مهدي(عج)، بايد حسين(ع) را ياد كرد. در دعاي هر يك، بايد جملاتي را زير لب زمزمه نمود كه ياد ديگري را در دل زنده مي‏كند. در اين قسمت، نمونه هايي چند از اين حقيقت اشاره مي‏شود:

1. ياد حضرت مهدي(عج)، در ميلاد امام حسين (ع)

شيعيان و شيفتگان مذهب جعفري، در روز ميلاد سالار شهيدان (سوم شعبان)، ياد فرزندان آن حضرت را نيز در دل‏ها تازه‏تر مي‏كنند. در توقيع مبارك حضرت امام حسن عسكري(ع) براي قاسم بن علاء همداني آمده است: در روز تولد امام حسين(ع) اين دعا را بخوان: ((اللهم اص اسئلك بق اثولود ص هذا اليوم اثوعود بلاك‏ادته قبل اسش‏لاله و ولادته بكته الي‏ءُ و من فشا و الارض و مَن علشا... اثعوّض من قتله ان الاچ‏ة من نسله و الشّفاء ص تربته و الفوز معه ص أوبته و الأوصياء من عق‏ته بعد قاچ‏هم و غيبته؛(44)خداوندا! من تو را به مقام مولود اين روز مي‏خوانم. او پيش از آن كه به دنيا چشم بگشايد و قبل از آن كه تولد يابد، وعده و خبر شهادتش داده شد. آسمان و هر كس در آن بود و زمين و هر كس بر روي آن بود، بر او گريه كرد... . او كه در عوض شهادت او، ائمه از نسل او شدند و شفا در تربت او قرار داده شد، فوز و رستگاري با او، در روز رجوع و بازگشت او و بازگشت اوصياء از خاندان او، بعد از قائم آنان و سپري شدن غيبت او مي‏باشد)).

و در لوحي كه به نام مقدس فاطمه(س) معروف است(45)، ارتباط محكم و راستيني بين امام حسين (ع) و حضرت حجت (عج) وجود دارد. اين لوح به مناسبت تولّد امام حسين (ع) توسط جبرئيل امين به رسم چشم روشني از طرف خداوند متعال به پيامبر اكرم(ص) هديه شد. رسول اكرم (ص) آن را مطالعه مي‏كنند و مي‏فرمايند: ((سزاوار نيست كه اين چشم روشني به شخصي غير از فاطمه زهرا (س) سپرده شود.

نكته مهم آن، زمان فرستادن (تولد امام حسين) و محتويات و مطالب آن (ياد مهدي(ع)) است.

وقتي به نام مقدس امام حسين (ع) مي‏رسد، مي‏فرمايد:((... جعلت كلمط التامّة معه و حجط البالغة عنده...؛ كلمه تامه و حجت بالغه خود (امام زمان) را با حسين و نزد او قرار دادم)).(46)

2. ياد حسين (ع)، در ميلاد امام زمان (عج)

يكي از شب‏هاي با عظمت سال، شب تولد يوسف زهرا(س) است كه در روايت، افضل شب‏هاي سال بعد از شب قدر شمرده شده، و در آن احياء و شب زنده داري توصيه شده است.

عاشقان حضرت در آن شب، ياد حضرت اباعبدالله (ع) را در دل‏هاي خود احياء مي‏كنند و با زيارت عاشورا جان خود را صفا مي‏بخشند، چرا كه شب امام عصر (عج)، شب زيارتي مخصوص سالار شهيدان فرزند فاطمه زهرا(س) است.

محدث بزرگوار، شيخ عباس قمي(ره) در ((مفاتيح الجنان)) مي‏نويسد: با فضيلت‏ترين اعمال شب نيمه شعبان - كه باعث آمرزش گناهان است - زيارت امام حسين (ع) مي‏باشد. هر كه مي‏خواهد، روح 124 هزار پيامبر با او مصافحه كند، امام حسين (ع) را زيارت كند. اقل زيارت آن حضرت آن است كه به بالاي بامي رود و به سمت راست و چپ نگاه كند، سپس سر به جانب آسمان بلند كند و حضرت را با اين كلمات زيارت كند: ((السلام عليك يا اباعبدالله، السلام عليك و رچة الله و بركاته))(47)

در قسمت ((زيارات)) نيز مي‏نويسد: احاديث بسياري در فضيلت زيارت امام حسين (ع) در نيمه شعبان وارد شده است. و بس است در اين باب آنچه كه به چندين سند معتبر از حضرت امام زين العابدين (ع) و امام جعفر صادق(ع) وارد شده كه: هر كه بخواهد با او 124 هزار پيامبر، مصافحه كنند، زيارت كند قبر ابي عبدالله الحسين(ع) را در نيمه شعبان. به درستي كه ملائكه و ارواح پيامبران، رخصت مي‏طلبند و به زيارت آن حضرت مي‏آيند. پس خوشا به حال آن كه مصافحه كند با ايشان، و ايشان مصافحه كنند با او. پنج پيامبر اولوالعزم (نوح، ابراهيم، موسي، عيسي(ع)و محمد(ص)) نيز با ايشان‏اند.

3. شب قدر و ياد امام حسين(ع)

شب قدر، شب امام زمان(ع) است. وملائكه و روح بر آن حضرت نازل شده، تقدير امور رادر اختيار او مي‏گذارند. پيشوايان معصوم(ع) در تفسير سوره قدر فرموده‏اند: فرشتگان در اين شب، مقدّرات يك‏سال را نزد ولي مطلق زمان آورده، بر او عرضه و تسليم مي‏كنند.(48)

در چنين شبي - كه به حجت بن الحسن العسكري(ع) تعلق دارد - ياد جدّبزرگوارش در دل‏ها زنده مي‏شود؛ چرا كه يكي از اعمال مستحبي شب قدر، زيارت امام حسين(ع) است. شيخ عباس قمي(ره) مي‏نويسد: ((بدان كه احاديث در فضيلت زيارت امام حسين(ع) در ماه مبارك رمضان - خصوصاً شب اول و نيمه و آخر آن و به خصوص شب قدر - بسيار است. از حضرت امام محمد تقي(ع) منقول است كه هر كه زيارت كند، امام حسين(ع) را در شب بيست و سوم ماه رمضان - و آن شبي است كه اميد است شب قدر باشد و در آن شب هر امر محكمي جدا و مقدّر مي‏شود - مصافحه كند با او روح 124 هزار ملك و پيغمبر كه همه رخصت مي‏طلبند از خداوند در زيارت آن حضرت در اين شب.

از حضرت صادق(ع) مروي است: چون شب قدر مي‏شود، منادي از آسمان هفتم از بطن عرش ندا مي‏كند كه حق تعالي هر كسي را كه به زيارت قبر حسين(ع) آمده، آمرزيد.

و در روايت ديگر است كه هر كه شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو ركعت نماز بگزارد، نزد آن حضرت يا آنچه كه ميسر شود و از حق تعالي بهشت و پناه از آتش را بخواهد؛ خداوند به او بهشت و پناه از آتش را عطا فرمايد. و ابن قولويه از حضرت صادق(ع) روايت كرده كه هر كه زيارت كند قبر امام حسين(ع) را در ماه رمضان و در راه زيارت بميرد، حسابي نخواهد داشت و به او بگويند كه بدون خوف و بيم داخل بهشت شو)).(49)

4. دعاي ندبه و ياد امام حسين(ع)

يكي از دعاهاي بسيار مهم و با ارزش در ميان شيعه، دعاي ((ندبه)) است كه عاشقان حضرت ولي‏عصر(عج) هر صبح جمعه دور هم گرد آمده و با خواندن آن، با حضرتش تجديد عهد و پيمان مي‏كنند اين دعا سندي صحيح دارد و بخش عمده و چشمگير آن، التجاء به مهدي موعود و تأسّف از غيبت و دردمندي از فراق آن بزرگوار است و بخش هايي از اين دعاء، مربوط به جدّ بزرگوار امام زمان (عج) سالار شهيدان است؛ مانند: ((اين اگ‏سن؟ اين اگ‏سغ؟ اين ابناء اگ‏سغ؛ حسن (ع) كجا است؟ حسين (ع) چه شد؟ فرزندان حسين كجايند و چه شدند؟)).

قسمت ديگري از اين دعاي شريف ((اين الطالب بدم اثقتول بكربلا؟؛ كجاست آن طالب خون شهيد كربلا؟)) كه از حساسيت فوق العاده‏اي برخوردار است.

ندبه كنندگان مهدي(عج)، منتظرانِ منتقم آل محمدند تا تقاص خون به ناحق ريخته فرزند فاطمه(س) را بگيرد و موجب شادي و بهجت قلب نازنين رسول خدا(ص) شود.

آري صبح جمعه و دعاي سوزان ندبه، در فراق امام زمان و ياد سيد الشهدا (ع) است. و چه بسا همين ياد امام حسين (ع) در صدق و صفاي اين دعا، اثري ژرف به جاي نهد.

5. زيارت عاشورا و ياد مهدي(عج)

((زيارت عاشورا))، كه از سوي امام محمد باقر(ع)، به شيعيان و شيفتگان تعليم داده شده است مضامين والايي دارد.

در يكي از قسمت‏هاي زيارت چنين آمده است: ((ان يرزقظ طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت تمد(ص)؛ همانا از خداوند مي‏خواهم خون خواهي تو را در كنار امام ياري شده از خاندان پيامبر(ص) روزيم گرداند)).

زائر در اين فقره، مشاركت در خون‏خواهي امام حسين(ع) به وسيله امام زمان(ع) را طلب مي‏كند، چرا كه مقصود از امام منصور، دوازدهمين پيشواي شيعيان حضرت ولي عصر(عج) مي‏باشد و علت اين كه او را منصور ناميده‏اند، اين است كه ايشان در طلب خون جدشان ياري مي‏شوند.

امام محمد باقر(ع) در شرح آيه شريفه ((و من قُتل مظلوماً)) فرمودند: ((حّي اثهدي اثنصور كأ حّي اچد تمداً و كأ حّي عيي‏ك اثسيح؛ مهدي [عج‏]، منصور ناميده شد، همان طوري كه احمد، به محمد [ص‏] و عيسي به مسيح‏[ع‏] ناميده شد)).(50)

محمد بن مسلم مي‏گويد: شنيدم اباجعفر فرمود: ((قائم ما منصور به رعب و مؤيّد به نصر است...))(51)

6. روز عاشورا و ياد حضرت مهدي(عج)

جلوه‏اي ديگر از ارتباط دو فرزند زهرا(س)، روز عاشورا است، كه دل عزاداران بايد به عشق ولي‏عصر بتپد و ذكر قيام اباعبدالله، با ياد امام زمان (عج)، توأم باشد.

صالح بن عقبه از پدرش نقل مي‏كند: امام محمد باقر(ع) فرمود: ((هر كس حسين بن علي(ع) را در روز دهم محرم زيارت كند تا آن كه نزد قبر آن حضرت گريان شود، خداوند - تبارك و تعالي - ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد به او عطا كند كه ثواب آن‏ها، مثل ثواب كسي است كه درخدمت رسول خدا(ص) و ائمه طاهرين(ع) حج و عمره و جهاد كرده باشد.

راوي مي‏گويد: عرض كردم: فدايت شوم، كسي كه در شهرهاي دور باشد و ممكن نباشد كه در مثل اين روز به سوي قبر آن حضرت رود، آيا براي او ثوابي است؟

امام (ع) فرمود: هرگاه چنين باشد به سوي صحرا يا بربلندي بام خانه خود رود و به سوي حضرت اشاره كند و سلام دهد و در نفرين بر قاتلان وي جديت نمايد و بعد از آن دو ركعت نماز بخواند. اين كار را در اوايل روز انجام دهد و خود بر امام حسين (ع) بگريد و كساني را كه در خانه‏اش هستند، نيز به گريه بر آن حضرت وا دارد. و يكديگر را به اين كه در شهادت امام حسين(ع) مصيبت زده شده‏اند، تعزيت گويند. و هرگاه چنين كنند، همه آن ثواب ها را براي آنان ضامنم.

گفتم: يكديگر را چگونه تعزيت بگويند ؟

حضرت فرمودند بگويند: ((اعظم الله اجورنا ج‏صابنا باگ‏سغ(ع) و جعلنا و اياكم من الطالبغ بثاره مع وليه الامام اثهدي من آل تمد علشم السلام؛ خداوند اجر ما و شما را در مصيبت حسين(ع) بزرگ گرداند و ما و شما را از كساني قرار دهد كه به همراه وليّ امام حسين، امام مهدي‏[عج ]از آل محمد(ع) طلب خون آن حضرت كرده و به خون‏خواهي او برخيزيم)).(52)

7. شعار سپاه حضرت مهدي(عج)

در شعارهاي لشكر آن حضرت - كه برگرفته از شعور عميق آنان است - به روشني مي‏توان ياد و خاطره امام حسين (ع) را مشاهده كرد.

در يكي از ((زيارات جامعه)) در قسمت سلام به حضرت مهدي(عج) آمده است: ((السلام عط الامام الغائب عن الابصار و اگ‏ا ص الامصار و الغائب عن العيون و اگ‏ا ص الافكار، بقية الاخيار، وارث ذي الفقار، الذي يظهر ص بيت الله اگ‏رام ذي الاستار و ينادي بشعار يا لثارات اگ‏سغ، انا الطالب بالاوتار، انا قاي كلّ جبار؛(53) سلام و درود بر امامي كه از ديده‏ها پنهان است و در شهرها حاضر؛ آن كه از ديده‏ها، نهان است و در دلها حاضر؛ باقي مانده اخيار و خوبان؛ و وارث شمشير ذوالفقار؛ آن بزرگواري كه در بيت الله الحرام - كه داراي پرده‏ها است - ظاهر مي‏شود و به شعار ((يا لثارات الحسين)) ندا مي‏كند و مي‏فرمايد: منم مطالبه كننده خون هاي به ناحق ريخته؛ منم شكننده هر ستمگر جفا پيشه)).

و ياران حضرت مهدي(عج) نيز به پيروي از امامشان، شعار يا لثارات الحسين سر مي‏دهند. محدث بزرگ مرحوم حاجي نوري(ره) از كتاب غيبت فضل بن شاذان نقل كرده: ((ان شعار اصحاب اثهدي(عج) يا لثارات اگ‏سغ(ع)؛ به درستي كه شعار ياوران مهدي(عج) يا لثارات الحسين است)).(54) امام صادق (ع) هم مي‏فرمايد: ((شعار ياران حضرت مهدي يا لثارات اگ‏سغ (اي خونخواهان حسين(ع)) است)).(55)

چهار: همراه با تشرفات‏

1. حضرت مهدي(عج) و گريه بر امام حسين(ع)

سيد بحر العلوم (ره) روزي به قصد تشرّف به سامرا تنها به راه افتاد. در بين راه درباره اين مسأله كه ((گريه بر امام حسين(ع) گناهان را مي‏آمرزد)) فكر مي‏كرد. همان وقت متوجه شد كه شخص عربي، سوار بر اسب به او رسيد و سلام كرد. بعد در لحظه‏اي پرسيد: جناب سيد! درباره چه چيز به فكر فرو رفته‏اي؟ و در چه انديشه اي؟ اگر مساله علمي است مطرح كنيد، شايد من پاسخش را بدانم. سيد بحر العلوم فرمود: در اين‏باره فكر مي‏كنم كه چطور مي‏شود، خداي تعالي اين همه ثواب به زائران و گريه كنندگان بر حضرت سيدالشهدا(ع) مي‏دهد؛ مثلاً در هر قدمي كه در راه زيارت بر مي‏دارد، ثواب يك حج و يك عمره در نامه عملش نوشته مي‏شود و براي يك قطره اشكي تمام گناهان صغيره و كبيره‏اش آمرزيده مي‏شود؟

آن سوار عرب فرمود: تعجب نكن! من براي شما مثالي مي‏آورم تا مشكل حل شود.

سلطاني به همراه درباريان خود به شكار مي‏رفت. در شكارگاه از همراهيانش دور افتاد و به سختي فوق العاده‏اي افتاد و بسيار گرسنه شد. خيمه اي را ديد و وارد آن جا شد. در آن سياه چادر، پيرزني را با پسرش ديد. آنان در گوشه خيمه بز شيرده‏اي داشتند، و از راه مصرف شير اين بز، زندگي خود را مي‏گذراندند. وقتي سلطان وارد شد، او را نشناختند؛ ولي براي پذيرايي از مهمان، آن بز را سر بريده و كباب كردند؛ زيرا چيز ديگري براي پذيرايي نداشتند. سلطان شب را همان جا خوابيد و روز بعد، از ايشان جدا شد و خود را به درباريان رسانيد و جريان را براي اطرافيان نقل كرد.

در نهايت از ايشان سؤال كرد: اگر بخواهم پاداش مهمان نوازي پيرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملي بايد انجام بدهم؟ يكي از حاضران گفت: به او صد گوسفند بدهيد. و ديگري كه از وزيران بود، گفت: صد گوسفند و صد اشرفي بدهيد. يكي ديگر گفت: فلان مزرعه را به ايشان بدهيد.

سلطان گفت: هر چه بدهم كم است؛ زيرا اگر سلطنت و تاج و تختم را هم بدهم، آن وقت مقابله به مثل كرده‏ام؛ چون آنان هر چه را كه داشتند به من دادند. من هم بايد هر چه را كه دارم، به ايشان بدهم تا مقابله به مثل شود.

بعد سوار عرب پرسيد فرمود: حالا جناب بحرالعلوم، حضرت سيدالشهدا(ع)، هر چه از مال و منال، اهل و عيال، پسر و برادر، دختر و خواهر و سر و پيكر داشت، همه را در راه خدا داد، پس اگر خداوند به زائران و گريه كنندگان، آن همه اجر و ثواب بدهد، نبايد تعجب كرد؛ چون خدا - كه خدائيش را نمي‏تواند به سيدالشهدا(ع) بدهد - پس هر كاري كه مي‏تواند، انجام مي‏دهد؛ يعني، با صرف نظر از مقامات عالي خودش، به زائران و گريه كنندگان آن حضرت، درجاتي عنايت مي‏كند. در عين حال اينها را جزاي كامل براي فداكاري آن حضرت نمي داند.

چون شخص عرب اين مطالب رافرمود، از نظر سيد بحر العلوم غايب شد.(56)

2. حضرت مهدي(عج) و عزاداري امام حسين (ع)

يكي از ويژگي هاي بارز و از خصايص برجسته علامه بحر العلوم (ره)، ارادت وصف‏ناپذير و شور و عشق خالصانه او به سالار شهيدان و ارج نهادن به سوگواري براي آن حضرت و بزرگداشت روزهاي جاودانه تاسوعا و عاشورا بود. در اين رابطه، علامه بحر العلوم، حضرت ولي عصر(عج) را نيز در صف عزاداران مي‏بيند كه قضيه از اين قرار است:

روز عاشورايي بود و موج سوگواران از هر سو، به سوي كربلا در حركت بود. علامه بحرالعلوم(ره) نيز به همراه گروهي از طلاب، به استقبال عزاداران و سينه زنان حركت كردند. در فاصله نه چندان دوري از كربلا، محلي به نام ((طُوَيرج)) هست كه دسته سينه زني آنان و سبك سوگواريشان مشهور بود.

هنگامي كه علامه و همراهانش به آنان رسيدند، ناگهان علامه با آن كهولت سن و موقعيت اجتماعي و علمي، لباس خويش را به كناري نهاده، و سينه خويش را گشود و در صف سينه زنان، با شوري وصف‏ناپذير به سينه زدن پرداخت.

علما و طلاب كه همراه او جهت استقبال سوگواران و دسته‏هاي عزاداري آمده بودند، هر چه تلاش كردند تا مانع كار او شوند و از شور و احساسات گرم و عارفانه او بكاهند، نه تنها موفق نشدند؛ بلكه گروهي از آنان، چنان تحت تاثير او قرار گرفتند كه به او پيوستند و گروهي ديگر نيز براي حفظ او - كه مبادا بر اثر موج جمعيت زير دست و پا بيفتد و دچار ناراحتي و صدمه شود - به مراقبت از او پرداختند.

سرانجام مراسم پرشور سوگواري و سينه زني پايان يافت و آن سيد بزرگوار، لباس خود را پوشيده، به خانه بازگشت. يكي از خواصّ، از او پرسيد: چه رويدادي پيش آمد كه شما چنان دچار احساسات پاك و خالصانه شديد كه آن گونه سر از پا نشناخته، لباس از تن در آورديد و به سينه زنان پيوستيد؟

آن مرحوم در پاسخ گفت: حقيقت آن است كه با رسيدن به دسته سوگواران و سينه زنان، به ناگاه چشمم به محبوب دل‏ها، كعبه مقصود و قبله موعود، امام عصر(ع) افتاد و ديدم آن گرامي مرد عصرها و نسل‏ها، با سر و پاي برهنه در ميان انبوه سينه زنان، در سوگ پدر والايش حسين(ع) با چشماني اشك‏بار به سر و سينه مي‏زند. به همين جهت آن منظره مرا به حالي انداخت كه قرارم از كف رفت و سر از پا نشناخته، وارد صف سوگواران و سينه زنان شدم ودر برابر كعبه مقصود و قبله موعود، به سوگواري پرداختم.(57)

3. حضرت مهدي(عج) و زيارت امام حسين(ع)

حاج علي بغدادي مي‏گويد: [در تشرف خود] به حضرت صاحب الامر(ع) عرض كردم: اي سرور ما! مسأله‏اي دارم؟ فرمود: بپرس. گفتم: روضه خوان‏هاي امام حسين(ع)، مي‏خوانند كه سليمان اعمش، نزد شخصي آمد و از زيارت حضرت سيدالشهدا(ع) پرسيد، آن شخص گفت: بدعت است. شب آن شخص در عالم رؤيا، هودجي را ميان زمين و آسمان ديد، سؤال كرد: در آن هودج كيست؟ گفتند: فاطمه زهرا و خديجه كبري 8. گفت: به كجا مي‏روند؟ گفتند: امشب (شب جمعه)، براي زيارت امام حسين(ع) مي‏روند. همچنين ديد رقعه‏هايي از هودج مي‏ريزد ودر آنها نوشته است: ((امان من النار؛ لزوار اگ‏سغ ص ليلة اكمعة امان من النار يوم القيامة؛ اين برگ اماني است در روز قيامت براي زوار امام حسين(ع) در شب‏هاي جمعه)). آيا اين حديث، صحيح است؟ فرمودند: آري! راست ودرست است.

گفتم: سيدنا! صحيح است كه مي‏گويند: هر كس امام حسين(ع) را در شب جمعه زيارت كند، اين زيارت برگ امان از آتش است؟ فرمود: آري والله؛ و اشك از چشمانش جاري شد و گريست...(58)

4 حضرت مهدي(عج)، در سوگ امام حسين(ع)

شيخ جليل حاج ملا سلطان علي روضه خوان تبريزي - كه از جمله عبّاد و زهّاد بود - نقل مي‏كند.

در عالم رؤيا به حضور حضرت بقية الله - ارواحنا فداه - مشرف شده، خدمت ايشان عرض كردم: مولاي من! آنچه در زيارت ناحيه مقدسه ذكر شده كه مي‏فرماييد: ((فَةََنْدَبَنَّكَ صَباحاً و مَساءً و لابِكغ‏َ عَليكَ بدل الدّموُعِ دماً))(59) صحيح است؟ فرمود: بلي صحيح است.

عرض كردم: آن مصيبتي كه در آن به جاي اشك خون گريه مي‏كنيد، كدام است؟ آيا مصيبت حضرت علي اكبراست؟ فرمود: نه، اگر علي اكبر زنده بود، در اين مصيبت او هم خون گريه مي‏كرد.

گفتم: آيا مصيبت حضرت عباس است؟ فرمود: نه، اگر عباس در حيات بود، او هم در اين مصيبت خون گريه مي‏كرد.

عرض كردم: لابد مصيبت حضرت سيدالشهداء(ع) است. فرمودند: نه، اگر حضرت سيدالشهداء(ع) هم در حيات بود، در اين مصيبت خون گريه مي‏كرد.

عرض كردم: پس اين كدام مصيبت است كه من نمي دانم؟ فرمودند: آن مصيبت، مصيبتِ اسيري زينب است)).(60)

5. عنايت حضرت مهدي(عج) به مجالس ذكر امام حسين(ع)

از آن‏جايي كه امام زمان (ع) صاحب عزاي واقعي است، بدون ترديد به مجالسي كه براي جد بزرگوارش(ع) برگزار مي‏شود، عنايت و توجّه ويژه‏اي دارد.

خطيب بزرگ شيعه، مرحوم شيخ عبدالزهراء كعبي (ره) مي‏گويد: يك روز بعد از ظهر وارد صحن مطهر امام حسين(ع) شدم، شخصي در مقابل يكي از حجره‏هاي صحن شريف - كه كتاب‏هاي مذهبي مي‏فروخت و ما با من سابقه آشنايي داشت. مرا ديد و گفت: كتاب كوچكي دارم كه به نظرم براي شما خوب باشد و در آن اشعاري بسيار زيبا دارد. قيمت آن هم اين است كه يك بار آن را برايم بخواني.

كتاب را گرفتم. خيلي كتاب مفيد و سودمندي بود؛ زيرا اشعار قصيده ابن عَرَنْدَس حلّي - كه مدت‏ها دنبال آن مي‏گشتم - در آن بود. در يكي از رواق‏ها نشسته، به خواندن آن اشعار براي كتاب فروش مشغول شدم و هر دو اشك مي‏ريختيم كه ناگهان سيدي از بزرگان عرب را ديدم كه در برابرم ايستاده به اشعارم گوش مي‏دهد و گريه مي‏كند.

چون به اين بيت رسيدم:

ايقتل ظمْآناً حسين بكربلا

و في كل عضوٍ من انامِله بحرُ

گريه آن بزرگوار شديد شد، رو به ضريح امام حسين (ع) كرد؛ اين بيت را تكرار مي‏نمود و همچون زن جوان مرده مي‏گريست. همين كه اشعار را به پايان رساندم، ديگر آن بزرگوار را نديدم. براي ديدن ايشان، از صحن خارج شدم تا شايد او را بيابم؛ ولي ايشان را نديدم. به هر كجا رو نمودم، اثري نيافتم؛ گويا از برابر چشمم غايب شده است. به يقين دانستم كه حضرت حجت و امام منتظر(ع) بوده است.(61)

علامه اميني (ره) در الغدير(62) مي‏گويد: در ميان اصحاب ما مشهور است كه در هر مجلسي قصيده ابن عرندس خوانده شود، موجب تشريف فرمايي حضرت بقية الله - روحي له الفداه - به آن مجلس مي‏شود. ما براي تيمن و تبرك چند بيت اين قصيده را ذكر مي‏نماييم.

ايقتل ظمْآناً حسين بكربلا

و في كلّ عضو من انامله بحر

و والدهُ الساقي علي الحَوْض في غدٍ

و فاطمه ماء الفرات لها مهر

فوالهف نفسي للحسين و ما جني‏

عليه غداة الطف في حربه الشمر

6. سفارش حضرت مهدي(عج) به زيارت عاشورا

محدث نوري (ره) حكايت سيد رشتي را چنين نقل مي‏كند كه حضرت به سيد دستور خواندن نافله (خصوصاً نافله شب)، زيارت جامعه و زيارت عاشورا را مي‏دهد و بعد از آن مي‏فرمايد: شما چرا نافله نمي‏خوانيد؟ نافله نافله، نافله! شما چرا عاشورا نمي‏خوانيد؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا! و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمي‏خوانيد؟ جامعه، جامعه، جامعه!(63)

((خاتمه))

دولت حضرت مهدي(عج) و رجعت امام حسين(ع)

((رجعت)) مسأله‏اي است كه در زمان ظهور نمود پيدا مي‏كند و حضرت ولي عصر(ع) صاحب رجعت است. اولين امامي كه در دولت كريمه رجعت مي‏كند، امام‏حسين(ع) است و بعداز امام زمان، حضرت سيد الشهدا 7، حاكم و امام حكومت مي‏باشد.

1. رجعت امام حسين(ع)

بعد از حضرت حجت (ع) اولين شخصي كه رجعت مي‏كند و بر سراسر گيتي حكومت مي‏كند، امام حسين(ع) است و در اين قسمت به پاره‏اي از روايات در اين‏باره، اشاره مي‏شود:

1. امام صادق(ع) فرمود: ((اولين كسي كه زمين بر رويش شكافته مي‏شود و به دنيا بر مي‏گردد، حسين بن علي است)).(64)

آن حضرت هم چنين فرمود: اولين كساني كه به دنيا بر مي‏گردند، حسين بن علي(ع) و يارانش و يزيد بن معاويه و يارانش هستند كه همه آنها را از اول تا آخر مي‏كُشد)). سپس امام صادق(ع) اين آيه شريفه را تلاوت فرمود: ((د رددنالكم الكرّة علشم و امددناكم باموال و بنغ و جعلناكم اكق نففاً؛(65) پس شما را بار ديگر بر آنها مسلّط كنيم و با مال و فرزندان ياري رسانيم و تعدادتان را افزون‏تر كنيم)).(66)

و امام محمد باقر(ع) مي‏فرمايند: امام حسين(ع) شب عاشورا به اصحابش فرمود:((... فابلاوا باكنة، فوالله اچ‏ا چ‏كث ماشاء الله تعاض بعد ما پ‏ري علينا، د پ‏رجنا الله و ايّاكم حغ يظهر قاچ‏نا فينتقم من الظاثغ، و انا و انژ نشاهدهم ص السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النكال...؛ بشارت باد شما را به بهشت، به خدا قسم كه بعد از آنچه بر ما جاري شود، مكث خواهيم كرد آن قدر كه خداي تعالي خواسته باشد، پس بيرون مي‏آورد ما و شما را در آن هنگامي كه قائم ما ظاهر شود، پس انتقام خواهد كشيد از ظالمان، و ما و شما مشاهده خواهيم كرد ايشان را در سلاسل و اغلال و گرفتار به انواع عذاب و نكال...))(67)

و امام حسين (ع) در روز عاشورا، دوباره از ((رجعت)) خود سخن گفته، مي‏فرمايد: ((من اولين كسي خواهم بود كه زمين شكافته مي‏شود و رجعت مي‏كنم)).(68)

و در زيارت حضرت ابوالفضل(ع) مي‏خوانيم: ((جئتك يابن امفاثؤمنغ وافداً اليكم و قلظ مسلم لكم... خ‏عكم معكم لامع عدوكم اص بكم و بايابكم من اثؤمنغ و ج‏ن خالفكم و قتلكم من الكافرين؛ اي پسر اميرمؤمنان! من به محضر شما شرفياب شدم؛ در حالي كه دلم تسليم شما و ياريم آماده براي شما است... من با شمايم، با شمايم، نه با دشمنان شما. من نسبت به شما و بازگشت شما از ايمان آورندگان و نسبت به آنان كه شما را كشتند، از كافرانم)).(69)

2. امام حسين (ع) در سوگ حضرت مهدي(عج)

بر اساس رواياتي كه درباره رجعت وارد شده، امام حسين (ع) در اواخر حكومت ولي عصر، با اصحاب باوفايش رجعت مي‏كند و براي همه مردمان معرفي مي‏شود، تا كسي در مورد آن حضرت دچار ترديد نگردد. هنگامي كه همه مردم او را شناختند، اجل حضرت بقية الله فرا رسيده، چشم از جهان فرو مي‏بندد. آن‏گاه امام حسين(ع) متصدي و متولي امر غسل، كفن، حنوط و دفن ايشان مي‏گردد.

امام صادق(ع) درباره آيه شريفه ((د رددنا لكم الكرة علشم))(70) مي‏فرمايد: ((مقصود زنده شدن دوباره امام حسين (ع) و هفتاد تن از اصحابش در عصر امام زمان است؛ در حالي كه كلاه‏خودهايي طلايي بر سر دارند و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسين(ع) را اطلاع مي‏دهند تا مؤمنان به شك و شبهه نيفتند)). اين در حالي است كه حضرت حجت در ميان مردم است؛ چون معرفت و ايمان به حضرتش در دل‏هاي مردم استقرار يافت، مرگ او فرا مي‏رسد. پس امام حسين(ع) متولي غسل، كفن، حنوط و دفن ايشان مي‏شود و هرگزغير از وصي، وصي را تجهيز و خاك سپاري نمي كند)).(71)

امام صادق(ع) مي‏فرمايد: ((حسين(ع) با اصحابش مي‏آيند و هفتاد پيامبر آنان را همراهي مي‏كنند؛ چنان كه همراه موسي (ع) هفتاد نفر فرستاده شدند. آن‏گاه حضرت قائم(ع) انگشتر را به وي مي‏سپارد و امام حسين(ع) غسل و كفن، حنوط و دفن حضرت قائم را بر عهده مي‏گيرد)).(72)

----------------------

پي‏نوشت‏ها:

1) كمال الدين، ج 2، ص 420.

2) تفسير فرات كوفي، ص 212.

3) سوره اسراء، آيه 33.

4) تفسير عياشي ج 2، ص 290: ((عن سلام بن المستنير عن ابي جعفر عليه السلام في قوله: ((و من قتل مظلوما فقد جعلنا لوليّه سلطانا فلا يسرف في القتل انه كان منصورا)) قال: هو الحسين بن علي عليه السلام قتل مظلوما و نحن اولياؤه، و القائم منّا اذا قام طلب بثار الحسين، فيقتل حتي يقال قد اسرف في القتل، و قال: المقتول الحسين عليه السلام و وليه القائم، و الاسراف في القتل ان يقتل غير قاتله انه كان منصورا، فانه لا يذهب من الدنيا حتي ينتصر برجل من آل رسول الله صلي الله عليه و آله يملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما)). (البرهان، ج 2، ص 419؛ البحار، ج 10، ص 150؛ اثبات الهداة، ج‏7 ، ص 102)

5) ينابيع المودة، ص 590.

6) يادمهدي، محمدخادمي‏شيرازي، ص 16 و ص 132.

7) منتخب‏الاثر، آيةالله صافي گلپايگاني، ص‏254.

8) كمال الدين، ج 1، ص 317؛ اثبات الهداة، ج 6، ص 397؛ بحارالانوارج 51، ص 134.

9) كفاية الاثر، ص 167.

10) كنوز الحقائق، (چاپ شده در حاشيه جامع الصغير) ج 1، ص 161. (به نقل از مهدي موعود). ج 1، ص 161.

11) البرهان، ص 94 (به نقل المهدي علي لسان الحسين، صابري همداني، ص 12، ح 15).

12) كمال الدين، ج 1، ص 318؛ اثبات الهداة، ج 6، ص 397؛ بحارالانوار، ج 51، ص 133 .

13) النجم الثاقب، ص 78.

14) بحار الانوار، ج 51، ص 37.

15) بحارالانوار، ج 101، ص 239، ح 38.

16) خلاصه قسمت دهم مقاله آية الله كريمي جهرمي، در مجله جان جهان.

17) دلائل الامامة، طبري، ص 239.

18) امالي شيخ طوسي، ج 2، ص 233.

19) كمال الدين، ج 1، ص 317؛ اثبات الهداة، ج 6، ص 397؛ عقد الدرر، ص 134.

20) كمال‏الدين، ج 1، ص 317؛ عيون‏الاخبار، ج 1، ص 18؛ بحارالانوار، ج‏51، ص‏133.

21) كمال الدين، 1، ص 317؛ عيون الاخبار، ج 1، ص 18؛ بحار الانوار، ج 51، ص 133.

22) كمال الدين، ج 1، ص 317.

23) عقد الدرر، ص 111؛ البرهان، ص 113.

24) براي توضيحات اين علايم، ر.ك: غيبت نعماني، باب 14، ص 247 و 257 و 383؛ غيبت طوسي، ص 265 و 274 و 280؛ بحار الانوار، ج 52، ص 181 و 186 و 237 و 239 و 278؛ اثبات الهداة، ج 7، ص 398 و 424 و سيماي آفتاب ص 276.

25) البرهان، ص 115 (اذا هدم حائط مسجد الكوفه ممايلي دار عبدالله بن مسعود...).

26) البرهان، ص 109 (اذا رايتم علامة من السماء ناراً عظيمة...)؛ عقد الدرر، ص 106.

27) گفتني است كه اين زيارت منتسب به امام عصر (ع) است؛ ولي در انتساب آن به حضرت - ترديدهاي جدي وجود دارد. (ر.ك: بحار الانوار، ج 98، ص 320.)

28) ياد مهدي، ص 199.

29) بحار الانوار، ج 51، ص 148.

30) چشم اندازي به حكومت مهدي(عج)، نجم الدين طبسي، ص 63.

31) غيبة طوسي، ص 274؛ كشف الغمه، ج 3، ص 252؛ بحار الانوار، ج 52، ص 290.

32) غيبة طوسي، ص 274؛ بحارالانوار، ج 52، ص 290.

33) قصص الانبياء، راوندي ،ص 80؛ بحارالانوار، ج 52، ص 225؛ چشم انداز، ص 170.

34) بحارالانوار، ج 52، ص 385؛ غيبة طوسي، ص 275 بااندكي تفاوت؛ چشم‏انداز، ص‏170.

35) كامل الزيارات، ص 30؛ مستدرك الوسائل، ج 3، ص‏416؛ چشم انداز، ص 170.

36) كافي، ج 3، ص 415؛ ارشاد، ص 362؛ التهذيب، ج 3، ص 253؛ غيبة طوسي، ص 283؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 532؛ بحارالانوار، ج 52، ص 331.

37) مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 85؛ بحارالانوار، ج 45، ص 299؛ چشم انداز، ص 148.

38) علل الشرايع، ج 1، ص 219؛ عيون اخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 273؛ بحارالانوار، ج 52، ص 313؛ اثبات الهداة، ج 3، ص 455؛ چشم انداز، ص 154.

39) معالي‏السبطين، ج‏1، ص‏208؛ رياض‏القدس، ج 1، ص‏263؛ سحاب‏رحمت، ص 342.

40) امالي صدوق، مجلس 27؛ بحار الانوار، ج \*44 ص 285؛ مجله جان جهان، ص 35.

41) بحار الانوار، ج 45، ص 189.

42) من لايحضره الفقيه، ج 1، ص 53 و 232؛ بحارالانوار، ج 52، ص 333؛ اثبات الهداة ج 3، ص 517، 566؛ الشيعه و الرجعة، ج 2، ص 400؛ ارشاد، ص 365؛ روضة الواعظين، ج 2، ص 246؛ چشم انداز، ص 157.

43) مهدي موعود(عج) ، ص 941؛ چشم انداز، ص 157.

44) مصباح المتهجد، اليوم الثالث يوم ولد فيه الحسين(ع) ص 758، مفاتيح الجنان، اعمال روز سوم شعبان، اقبال، سيد علي بن طاووس 689، شيعه و رجعت ص 190.

45) اصول كافي، ج 2، ص 471.

46) با حسين (ع) تا مهدي (عج) سيد مجتبي حسيني، ص 23.

47) مصباح المتهجد، شيخ طوسي، ليلة النصف من شعبان، مفاتيح، اعمال شب نيمه شعبان.

48) كافي، كتاب الحجة، باب في شان انا انزلناه.

49) مفاتيح الجنان، بخش زيارات، زيارت امام حسين(ع) در شبهاي قدر.

50) بحار الانوار، ج 51، ص 28.

51) همان، ج 52، ص 191، ج 24.

52) مصباح المتهجد، شيخ طوسي، المحرم و شرح زيارة الحسين(ع)، ص 713 و 714؛ مفاتيح الجنان، زيارت عاشورا.

53) النجم الثاقب، ص 469.

54) همان.

55) مستدرك الوسائل ج 11، ص 14 ب 47، ج 7: (فضيل بن يسار عن ابي عبدالله(ع) قال: ((و هم من خشية الله مشفقون، يدعون بالشهادة و يتمنون ان يقتلوا في سبيل الله، شعارهم يا لثارات الحسين(ع) اذا ساروا يسير الرعب امامهم مسيرة شهر)).

56) العبقري الحسان، ج 1، ص 119، س 11.

57) ديدار يار، علي كرمي ج 2، ص 200. هر چند مرحوم نهاوندي اين گفت و گو را از تشرفات مرحوم بحرالعلوم (ره) به محضر امام زمان (عج) دانسته است؛ ولي مرحوم دربندي (متوفاي 1285 ه ق) در اسرار الشهادات تصريح كرده كه اين گفت و گو بين مرحوم بحرالعلوم و شاگرد زاهد و عارفش شيخ حسين نجف انجام گرفته است. (اسرار الشهادات، ج 3، ص 46، قم، انتشارات ذوي القربي، 1420 ه ق)

58) العبقري الحسان ج 2، ص 114؛ النجم الثاقب، ص 484؛ مفاتيح، ص 798؛ عنايات حضرت مهدي موعود (عج)، ص 77، عنايات حضرت مهدي(عج) به علما و طلاب، ص 101.

59) بحار الانوار، ج 98، ص 238.

60) العبقري الحسان، ج 1، ص‏98، س 7.

61) شيفتگان حضرت مهدي(عج)، ج 3، ص 172؛ ملاقات با امام عصر، ص 315؛ عنايات حضرت مهدي(عج) به علما و طلاب، ص‏397؛ كلمةالمختار، ج 1، ص‏440.

62) الغدير، ج 7، ص 14.

63) النجم الثاقب، ص 60، مفاتيح الجنان بعد از زيارت جامعه.

64) بحار الانوار، ج 53، ص 39؛ الزام الناصب، ج 2، ص 360؛ تفسير برهان، ج 2، ص 408؛ ايقاظ ،ص 360.

65) سوره اسراء، آيه 6.

66) بحارالانوار، ج 53، ص 76؛ تفسير صافي، ج 3، 179؛ تفسير عياشي، ج 2ص 282؛ نورالثقلين ج 3، ص 140؛ تفسير برهان، ج 2، ص 408.

67) گزيده كفاية المهتدي، ص 105 و 106، ح 19.

68) بحار الانوار ج 53، ص 62 ؛ ايقاظ، ص 352 ؛ فوز اكبر، ص 36.

69) بحار الانوار، 22، ص 173؛ شيعه و رجعت، ص 217 و 218.

70) سوره اسراء، آيه 6.

71) كافي ج 8، ص 206؛ تأويل الأيات الظاهرة، ج 1، ص 278 و ج 2، ص 762؛ مختصر البصائر ص 48؛ تفسير برهان ج 2، ص 401، بحار الانوار، ج‏53، ص 13 و ص 51 ص 56؛ تفسير عياشي، ج 2، ص 281؛ نور الثقلين ج 3، ص 138؛ المحجة ص 121؛ الايقاظ ص 309.

72) ايقاظ، ص 368.